

آثار سید اخوان کاتب

ما دوبار بنده هم گریه را بنده ام و دیگر هیچگاه نخواهم دید. اما نام پر حوی ما  
همه سال نخواهد و چه نخواهد، در تاریخ از بیایست بهین مان ثبت است.  
چون در شب سحر خوانده شو خواهم بود، چون نمی خواهم مگر گریه از کسی به دل  
بگرم و چون در راه عمریم هیچ گونه بی نوا کسی و محضری از بی کسی نند برفته ام، لذا  
به شما می نویسم:

شما سید کلا سید معاصر، تا مسافانه آن زرسن عاظمی و نهایت افلاقی  
را ندانستید، که اگر در حال هستی (یا نمی دانم خود آن را چه سید هم کرده بودید)  
با سخنان بی مورد نامتبار، شاعری را که با ارضیاتی به دیدار آن آمده بود،  
برنجاند و نیز خوب ناراضی همگی و بدو همه مودب مان بگردید، آنگاه  
روز بعد که نزد شما نگرید، با تلفن از او بپوشن نخواهند و من قنطری  
آن بودم. آنکه دوستان در بیان مان این کار را بجای شو انجام دادند.  
اما این پرسش همچنان مگر مرا مشغول می دارد که تکلیف دهند شایسته  
پرسیده هر بر زمین "چه می شود؟ آیا دیگر سیده ای درگاه نیست؟"  
این را هم می گویم که از کوشش آنکه که برابر به ترجمه رساندن و سرد  
رسانا خوانده شو و نیز ندانم که شخصاً از خواندن آنها برده ام، سالم.

روز  
نزدک ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۹